

نقش تعلق مکانی بر تابآوری اجتماعی ناشی از جابجایی سکونتگاه (مطالعه موردی: روستای داهوییه، زلزله ۱۳۸۳ زرند)

محسن سرتیپی‌پور^{*}، سعیده اسدی^{**}

1395/09/04

تاریخ دریافت مقاله:

1396/02/09

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

استراتژی جابجایی جوامع روستایی آسیب‌دیده از زلزله با هدف کاهش آسیب‌پذیری در سوانح آتی، بهدلیل وابستگی این پدیده به مکان، عدم توجه به ساختارهای موجود و تنزل کیفیت رابطه انسان-محیط همواره سبب اختلال در حس تعلق به مکان با پیامد مهم کاهش سطح تابآوری اجتماعی خواهد شد. با توجه به اهمیت حفظ و ایجاد تابآوری اجتماعی در برنامه‌های بازسازی، مطالعه حاضر نقش جابجایی و تعلق به مکان در جامعه روستایی داهوییه پس از زلزله ۱۳۸۳ زرند و تأثیر آن بر تابآوری جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش با رویکرد کیفی و کمی می‌باشد که با روش آماری پارامتریک و تکمیل پرسشنامه با ۳۲ سنجه، سه شاخص اصلی حس تعلق به مکان به عنوان متغیر مستقل و همچنین با ۱۸ سنجه، دو شاخص اصلی تابآوری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، توسط جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله و جامعه ساکن در شهرک (که پیش از زلزله به صورت اختیاری جابه‌جا شده‌اند) مورد سنجش قرار گرفته است. فرضیه‌های تحقیق نیز با استفاده از روش‌های تحلیل آماری، آزموده شدند. سپس با انجام مشاهدات میدانی و نیز مصاحبه نیمه‌ساختارمند با مسئولین وقت بازسازی، مطلعین و دهیاری روستا و همچنین براساس شاخص‌های مؤثر در نتایج کمی حاصله، فرضیه‌ها به روش کیفی توصیف و تبیین گردیدند. اینک با گذشت ۱۲ سال از زلزله، تمایل بالای روستاییان به اجبار جابه‌جا شده در بازگشت به روستای قبلی نشان از عدم تعلق به مکان فعلی دارد که از مقولاتی همچون از بین رفتن مکان اجتماع روستا، خدشه در روابط اجتماعی و همسایگی‌ها، جدایی از عناصر محیطی دارای ارزش و دلیستگی خاطر مانند امامزاده، قبرستان، قنات و چشمه، منظر طبیعی ضعیف روستایی در مقابل ظرفیت‌های غنی منظر طبیعی داهوییه قدیم و نیز تعارض شرایط کالبد و مسکن با ویژگی‌های اقلیمی، اجتماعی و فعالیت خانوار حادث شده است. به دنبال آن کاهش سطح تابآوری آن‌ها نسبت به روستاییانی که در کنار جریان پیوسته زندگی در گرینش و ایجاد ساختارهای اجتماعی و کالبدی، آزادی انتخاب داشته‌اند، آشکار شد. مشارکت دو جامعه مذکور در مسائل و مناسبات مشترک اجتماعی روستا منجر به تقویت دلیستگی اجتماعی خواهد شد و این رویکرد در کنار بهبود منظر طبیعی، در ایجاد و تقویت تعلق به مکان و تابآوری اجتماعی مؤثر واقع می‌شود.

واژگان کلیدی: تعلق به مکان، تابآوری اجتماعی، زلزله ۱۳۸۳ زرند، جابجایی، روستای داهوییه.

* استاد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد، بازسازی پس از سانحه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

Saeedehasadi1363@gmail.com

مقدمه

زلزله تهدیدی جدی برای سکونتگاه‌های روستایی ایران محسوب می‌شود که روستا و جوامع ساکن در آنرا به چالش‌های جدی در ابعاد مختلف مبتلا می‌گرداند. جابه‌جایی اجباری روستا به دلیل آسیب‌پذیری و تخریب‌های جدی چنین سکونتگاه‌هایی در صورت رخداد سانحه، بسیار رایج است. از آنجا که روستا وابسته به مکانی خاص می‌باشد، جابه‌جایی در حقیقت مؤثرترین عامل شکل‌دهنده آن، یعنی مکان را تغییر می‌دهد. چنین جابه‌جایی‌هایی باعث تغییر در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده و اهالی دچار مشکلات فراوانی می‌شوند (مرتضوی، ۱۳۸۵: 123).

جابه‌جایی به عنوان "اقدامات لازم برای سکونت دائمی افراد آواره یا آسیب دیده از سانحه به منطقه‌ای غیر از محل سکونت اولیه آن‌ها" تعریف شده است (DFID, 2008: 87). این اقدام در غالب مواقع، با وجود سازگاری جامعه در دراز مدت با الگوهای محیط زندگی، به صورت ناخواسته و به اجبار انجام می‌شود. از آنجا که براساس پژوهش‌های انجام شده، در جابه‌جایی تدریجی و اجباری تفاوتی اساسی در سطح وابستگی به مکان وجود دارد (Helen Adams, et al, 2015, 7)، غالباً جابه‌جایی‌های اجباری منجر به بحران‌های فیزیکی یا اجتماعی و ایجاد تهدیدی جدید برای جامعه می‌شوند (Nese Dikmen, 2006, 11).

از جمله پیامدهای جابه‌جایی اجباری، پدیده بی‌مکانی و عدم تعلق به مکان جدید است. "حس مکان و یا پدیده بی‌مکانی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به دلایل ریتم‌های معمول زندگی به هم بخورد، مانند زمانی که مکان به دلیل جنگ یا سوانح طبیعی تغییر یابد یا فرد تغییر مکان دائمی به محل جدیدی را تجربه کند" (پرتوی، ۱۳۹۴، 129).

در استراتژی جابه‌جایی جوامع پس از سوانح رویکردهای مختلفی وجود دارد. به نظر می‌رسد چنانچه جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی، در پرتو سیاست‌های خود بتواند ساختارهای مختلف روستا را به شرایطی مانند قبل از سانحه یا نزدیک و یا بهتر از آن تغییر دهد موفق خواهد بود (سرتیپی پور و دیگران، 1394: 6). اما این هدف به دلیل حجم و دامنه کار بازسازی و جابه‌جایی غالباً مورد اغمض واقع شده و تنها محدود به ابعاد کالبدی ساختار روستا می‌گردد که افزایش آسیب‌پذیری‌ها و کاهش تابآوری را به دنبال دارد. تابآوری اجتماعی به معنای جذب شوک‌های ناشی از مخاطرات و ظرفیت بازگشت به شرایط پیشین و سازگاری با تغییرات و شرایط جدید پس از سانحه تعریف شده است (Davis & O.Izadkhah, 2006).

کاهش آن یکی از نگران‌کننده‌ترین عوایق جابه‌جایی و عدم تعلق به مکان می‌باشد.

مقاله حاضر بر اهمیت حس تعلق به مکان به عنوان عاملی مؤثر بر تابآوری جامعه تمرکز دارد. فرض پژوهش بر این است که تابآوری در طول جابه‌جایی به دلایلی از دست می‌رود، که مهمترین آن اختلال در حس تعلق به مکان و نقش مهم آن در ایجاد جامعه تابآور است.

در سال ۱۳۸۳ در اثر فعالیت گسل داهویه واقع در شرق شهرستان زرنده زلزله‌ای به بزرگی تقریبی ۶.۴ در مقیاس ریشتر به وقوع پیوست و روستاهای زیادی در این ناحیه دچار آسیب‌های جدی جانی و مالی شدند. مطالعه موردنی پژوهش حاضر روستای داهویه است که به دلیل قرارگیری بر روی گسل اصلی و منشاء زلزله، صدمات جدی‌تری را متحمل شد. از سوابی به دلیل تخریب کامل کالبد روستا، حجم بالای آوار و بالابودن هزینه‌های آواربرداری و از سوی دیگر وجود مکان

تخلیه اجباری روستا، جامعه جابه‌جا شده حس تعلق به مکان نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد فقدان حس تعلق به مکان در روستای جدید در بین جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله، به دلیل وابستگی قوی به مکان اولیه و ناکامی در ایجاد این پیوند و علقه در روستای جدید، منجر به کاهش سطح تاب‌آوری جامعه مزبور گردیده است.

به نظر می‌رسد جامعه اولیه مکان فعلی در کنار جریان پیوسته زندگی، از آنجا که در گزینش و ایجاد ساختارهای مربوط به خانه، روابط اجتماعی و همسایگی و سایر عوامل مؤثر در ایجاد حس وابستگی به مکان دارای قدرت انتخاب و عمل بوده‌اند سطح بالاتری از تاب‌آوری اجتماعی را نسبت به جامعه دوم که پس از زلزله و به اجبار به این مکان منتقل شده‌اند، دارا هستند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم تاب‌آوری و نقش آن در جوامع روستایی

این مفهوم اولین بار در سال 1973 بیان شد و پس از آن به طور وسیع در سایر ادبیات تخصصی علوم وارد گردید (MARLEEN SCHOUTEN et al., 2009, 3) در تعریف تاب‌آوری اجتماعی می‌توان آنرا به بخش تغییرپذیر و انعطاف‌پذیر سیستم‌های اجتماعی مربوط دانست که دارای دو شاخصه اصلی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت تطبیق‌پذیری هستند (Colburn & Tarsila, 2011, 7) سرمایه اجتماعی شامل مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی مؤثر در حل مشکلات رایج جامعه می‌باشد (L. Debertin & J. Goetz, 2013, 2).

تاب‌آوری در مقابله با سانحه به نوع مردمی که در جامعه زندگی می‌کنند و منابع در دسترس، بستگی دارد (Institute of British Columbia, 2012, 6)

مناسب برای جابه‌جایی که با همین هدف در زلزله پیشین منطقه تعیین شده بود، مسئولان بازسازی روستا تصمیم به تخلیه و جابه‌جایی اجباری آن به مکانی دیگر به نام شهرک واقع در جنوب غربی روستای داهویه گرفتند. پس از گذشت 12 سال از رخداد زلزله این سوال ایجاد می‌شود که آیا جابه‌جایی روستای مورد مطالعه موفق بوده است؟ آیا مردم روستا، مکان جدید را به عنوان مکانی برای زندگی برگزیده‌اند؟ و آیا این جابه‌جایی از بعد اجتماعی روستا، موجب تاب‌آوری بیشتر آن در برابر سوانح آتی همچون زلزله خواهد شد؟ با توجه به مسائل مطرح شده و وابستگی موقفيت برنامه‌های بازسازی و جابه‌جایی به افزایش ظرفیت جامعه در مواجهه با سوانح آینده، لزوم تدوین این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش‌های تحقیق

1. پس از زلزله 1383 زرند و جابه‌جایی اجباری جامعه بومی روستای داهویه از مکان اولیه زندگی، در حس تعلق به مکان آن‌ها در روستای جدید چه تغییراتی ایجاد شده است؟

2. حس تعلق به مکان بر میزان تاب‌آوری اجتماعی جامعه جابه‌جا شده روستای داهویه دارای چه تاثیراتی است؟

3. سطح تاب‌آوری اجتماعی جامعه اولیه روستای داهویه جدید که به صورت اختیاری در این مکان سکونت گزیده‌اند، چه تفاوت‌هایی با جامعه روستایی داهویه قدیم که به اجبار جابه‌جا شده‌اند، دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

به‌منظور پاسخ به سوالات فوق، سه فرضیه اصلی مطرح شده است:

بنظر می‌رسد به دلایلی، پس از زلزله و جابه‌جایی اجباری روستاییان بومی داهویه به مکان شهرک و

جريان فعالیت‌های روزمره اتفاق می‌افتد و متأثر از ارزش‌های فردی و جمیع است و با گذر زمان عمیق شده و گسترش یافته‌اند" تعریف کرده است. این حس که از آن به تعلق تعبیر می‌شود، حسی که توأم با عاطفه نسبت به مکان است (لک و غلامپور، ۱۳۹۴، ۱۴۹).

مطالعه در مورد حس تعلق مکانی توسط تخصص‌های مختلف بررسی شده است که درک ابعاد مفهومی متفاوتی از آنرا فراهم می‌نماید. مطالعات تجربی نشان می‌دهند که در محیط‌های مسکونی، حس مکان اغلب توسط ساکنان شکل می‌گیرد و با باورهای Helen J Boon et al, 2016, 91 شخصی و خصوصیات آنان مرتبط است (Boon et al, 2016, 91).

حس تعلق به مکان در دو دسته درونی و بیرونی دیده شده و شامل بعد اجتماعی حس تعلق به مکان، بعد احساسی (ادراک و شناخت) تعلق به مکان، و تعلق کالبدی می‌باشد (سیاوش پور و دیگران، ۱۳۹۳، ۹). تعلق به مکان لایه‌های ادراک، مفاهیم و تجربیات مکان را شرح می‌دهد. فعالیت‌ها و شکل کالبدی موجود در مکان بر حس وابستگی افراد تأثیر می‌گذارد و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، خاطرات و مفاهیم شخصی بر وابستگی و احساس تعلق به مکان مؤثر است (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، 275).

در موقعیت سانحه، مکان محیطی است که مردم سانحه دیده آن را به عنوان یک محیط زندگی به اندازه کافی خوب می‌شناسند. ذهنیت مردم آسیب‌دیده مربوط به مکان به سه عامل کلیدی در فرایندهای اجتماعی - روانی مربوط است که شامل دلبرستگی‌ها، روابط خویشاوندی و هویت می‌باشد (Prewitt o. Diaz et al, 2013, 3) در بسیاری از موارد پس از سوانح و جابه‌جایی، حس تعلق به مکان منجر به بازگشت افراد به مکان قبلی می‌گردد (Helen J Boon et al, 2016, 91).

موارد، مفهوم آنرا در جوامع روستایی متفاوت از جوامع شهری می‌سازد. هیجمن^۱ مفهوم تابآوری در جوامع روستایی را مطرح نموده است. ایده مذکور بر پایه پیچیدگی فرایندهای سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی روستایی و ارتباط متقابل این سیستم‌ها است (Marleen Schouten et al, 2009, 4).

بنابراین تفاوت تابآوری در جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری از دیدگاه مسائل جمعیت‌شناسی، ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و اهداف زندگی بارز می‌باشد. بسیاری از این جوامع دارای ویژگی‌هایی مانند خوداتکایی، دامنه وسیع مهارت، ابزارها و کارکردن برای یکدیگرند که آن‌ها را در برابر تأثیرات سانحه مقاوم می‌سازد (Institute of British Columbia, 2012, 17). در مقابل تنوع اقتصادی و منابع مالی کم در نواحی روستایی در کنار تراکم جمعیتی کم، باعث ایجاد چالش‌های زیادی در انجام اقدامات کاهش خطر یا بازسازی پس از سانحه می‌شود (Kapucu et al, 2013, 4).

تعریفی در باب مکان و حس تعلق به مکان اصطلاح "مکان" بیان کننده تجارب ذهنی، معانی منسوب به محیطی که انسان در آن ساکن بوده، خاطرات قوی از آن دارد و در آن رشد کرده، می‌باشد (Prewitt Diaz et al, 2013, 3) در حقیقت مکان محیطی است که فرد عمدۀ وقت خود را در آن می‌گذراند، ماهیتی کلان سیستم که تأثیر قدرتمندی بر عملکردهای احساسی و روانشناسی دارد. مکان می‌تواند به عنوان محل استقراری با معنا تعریف شود و وابستگی به مکان "قید مؤثری است که انسان را به مکان مرتبط می‌سازد" (Adams et al, 2015, 5).

رلف² در تعریف خود، حس تعلق مکان را "برقراری ارتباط با مکان به‌واسطه درک نمادها و آن معانی که در

ارتباطات اجتماعی در بین بسیاری از ساکنان جوامع روستایی محصول جنبی حس مکان و اتصال به زمین یا خانه می‌باشد (Curtin & Cohn, 2015). بنابراین کاهش تاب آوری، تابعی از چگونگی ارتباط آن با مکان و هویت محدوده و ویژگی‌های خاص محل می‌باشد و سطوح بالای وابستگی به مکان منجر به افزایش تاب آوری می‌گردد. از این منظر تاب آوری و دلبستگی به مکان تبدیل به اجزای مرتبط و نزدیک یک سیستم می‌شوند که روابط بین آن‌ها با ادراک از تداوم مکان گره خورده است. بنابراین یکی از رویکردهای مهم در جابه‌جایی، اطمینان از حس تعلق به مکان برای اطمینان از تاب آوری اجتماعی است. (Helen Adams et al, 2015, 6)

اثبات شده است که در افزایش تعلق به مکان پس از سوانح همچون زلزله، توجه به کیفیات محسوس و نامحسوس کالبد، خاطرات و معانی انضمای فضای مؤثر خواهند بود. به نظر می‌رسد در انتقال خاطرات جمعی با هدف افزایش حس تعلق به مکان، دو فاکتور نمادها و مراسم تأثیرگذار خواهند بود (فلاحی و اصلانی، ۱۳۹۴، 2).

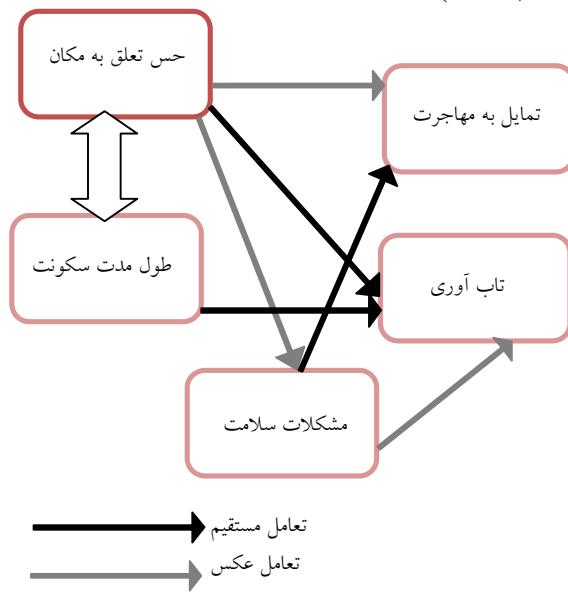
چارچوب نظری پژوهش

به دنبال پیچیدگی روابط بین حس مکان با مفاهیم ادراک، هویت و پیوستگی اجتماعی، هاشم‌نژاد و همکاران مقوله وابستگی به مکان را به عنوان شاخص برجسته و مؤثر در سنجش میزان حس تعلق به مکان پیشنهاد داده‌اند. در این دیدگاه، فاکتورهای فیزیکی، اجتماعی، شخصی، خاطرات و تجارب عمیق، رضایتمندی از مکان، فعالیت‌ها و تعاملات بین فرد با فرد و فرد با مکان و زمان مؤثر بر وابستگی به مکان، شمرده شده‌اند (هاشم‌نژاد و دیگران، ۲۰۱۳، 9).

در سنجش وابستگی به مکان مدل کایل ۲۰۰۵ با قابلیت کاربرد در بازسازی پس از سانحه پیشنهاد شده

سانحه، حس تعلق به مکان و اختلال در تاب آوری اجتماعی

بلایای بزرگ موجب اختلال در شبکه‌های اجتماعی روانی از جمله اختلال در حس تعلق به مکان و کاهش تاب آوری می‌شوند. اختلال در حس تعلق به مکان به دلیل عدم وجود نشانه‌های ملموس اجتماعی و زیست محیطی برجسته، موجب تضعیف توانایی فرد در یکپارچه‌سازی گذشته باحال می‌گردد. (O. Prewitt Diaz et al, 2013, 4) پس از سانحه، حس تعلق به مکان نقشی حمایت کننده در تاب آوری جوامع روستایی که همبستگی اجتماعی، بازتوانی و تاب آوری آن‌ها بیش از سایر جوامع است، بازی می‌کند و رابطه مستقیمی بین این دو شاخص قدرتمند وجود دارد (تصویر شماره ۱). به همین دلیل اغلب جوامعی که پس از سانحه مجبور به ترک مکان زندگی خود می‌گردند، در مکان جدید حس تعلق خود را از دست می‌دهند (Helen J Boon et al, 2016, 101).



ت ۱. مدل ارتباط بین حس مکان و فاکتورهای اجتماعی.

منبع: 2016. Helen J Boon

محدوده مورد مطالعه

روستای داهوییه واقع در منطقه‌ای کوهستانی در ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرستان زرنده و دارای ۸۲۴ نفر جمعیت می‌باشد. براساس مستندات به دنبال زلزله سال ۱۳۶۸ شهرستان زرنده، بنابر تشخیص مسئولین وقت بازسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بخشی از زمین‌های واقع در دامنه کم شیب جنوب غربی روستای داهوییه تسطیح و به منظور جابه‌جایی و بازسازی مسکن به روستاییان واگذار شد. پس از زلزله، عدم وجود خسارت جانی، تخریب و آسیب کم اینبه، نزدیکی به باغات روستا، وابستگی به مکان و عناصر ارزشمندی مانند امامزاده، قبرستان، قنات و چشمه روستا، تناسب منظر و تندیگی مکان با محیط سبز طبیعی و اقلیم در مقابل شرایط نامناسب سایت جدید، موجب عدم تمایل روستاییان به جابه‌جایی شد.

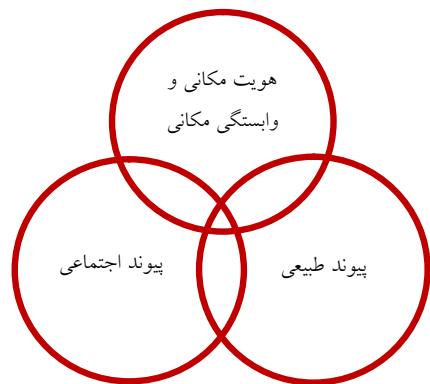
با گذشت زمان، به دلیل محدودیت روستا به کوه از یک سو و باغات و زمین‌های کشاورزی از سوی دیگر در کنار رشد جمعیت و نیاز به زمین، ساخت و ساز در سایت جدید شهرک توسط بخشی از جامعه جوان روستای داهوییه آغاز گردید. پس از رخداد زلزله ۱۳۸۳ زرنده، روستا دچار تخریب کامل شد و به دلیل حجم بالای آسیب و آوار موجود، روستاییان مجبور به جابه‌جایی و تخلیه کامل روستا شدند. تصویر شماره ۳ موقعیت اولیه و جدید روستای داهوییه را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

براساس ماهیت مورد پژوهش تحقیق دارای دو رویکرد کیفی و کمی می‌باشد. در آزمون فرض‌های تحقیق از تکمیل پرسشنامه که پایابی درونی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ بررسی و پس از حذف سوالات با همبستگی

است که در آن دلبستگی به مکان با فاکتورهای هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوند اجتماعی نشان داده شده است (لک، ۱۳۹۴، ۱۶۲). پیوند اجتماعی به عنوان عاملی مشترک بین تابآوری اجتماعی و وابستگی به مکان است.

از سویی نیز رایموند، براند، ویر در سال ۲۰۱۰ مدل شکل‌گیری دلبستگی مکانی را ارائه داده‌اند که به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت روستایی مورد پژوهش و ارتباط نزدیک آن با طبیعت، این مدل برای پیشبرد تحقیق مناسب باشد (تصویر شماره ۲). بر این اساس هویت و وابستگی مکانی شامل شخص، هویت مکانی و وابستگی مکانی، پیوند طبیعی شامل محیط طبیعی، ارتباط با طبیعت، هویت محیطی و وابستگی به محیط و پیوند اجتماعی نیز شامل اجتماع، همسایگی، دلبستگی، تعلق پذیری و آشنایی می‌باشند (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، ۲۷۹). در یک همگرایی از ادبیات موجود، عوامل مؤثر در پیشبرد موضوع تحقیق در یک دسته‌بندی کلی گردآوری و در جدول شماره ۱ ارائه گردیده‌اند.



ت ۲. مدل شکل‌گیری دلبستگی مکانی رایموند، براند ویر ۲۰۱۰

تحقیق، تعیین و به شیوه نمونه‌گیری احتمالی، روش طبقه‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شدند. تعداد نمونه‌های هر طبقه بر حسب جمعیت و فرمول موجود شامل ۲۰ نمونه از روستاییان جا به جا شده و ۲۷ نمونه نیز از ساکنین اولیه شهرک تعیین شد.

در تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از ۳۲ سنجه در قالب ۳ شاخص اصلی و ۸ شاخص فرعی برای سنجش حس تعلق به مکان به عنوان متغیر مستقل و همچنین ۱۸ سنجه برای دو شاخص اصلی تاب‌آوری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته به حس تعلق به مکان استفاده شده است. روش تحلیل آماری - توصیفی، با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی همچون ضریب رگرسیون و روش مقایسه میانگین‌ها جهت پیش‌بینی روابط متغیرها، آزمون t مستقل با هدف پایابی نتایج و مقایسه میانگین دو جامعه روستایی مورد نظر و تحلیل واریانس با هدف دستیابی به نمایی واقعی از داده‌ها بهره گرفته شده است.

کمتر، ضریب آلفا ۰.۷۰۳ به دست آمد و با توجه به پرسش‌های تحقیق از روش آمار پارامتریک به منظور کشف تأثیر اصلی و نیز تأثیرات تعاملی متغیر مستقل تعلق مکانی بر روی متغیر وابسته تاب‌آوری اجتماعی با فرض توزیع نرمال جامعه و با هدف تعیین پذیری بیشتر نتایج به دست آمده، بهره گرفته شده است. در نهایت براساس شاخص‌های مؤثر که طی روش مذکور تعیین گردیده‌اند و با استفاده از مشاهدات میدانی و مصاحبه نیمه‌ساختارمند با مسئولین بازسازی وقت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمان، دهیاری روستای داهوییه و افراد مطلع محلی، نتایج به دست آمده از روش کمی، به روش کیفی توصیف و تبیین گردیده‌اند.

جامعه آماری تحقیق شامل روستاییان بومی داهوییه که اجباراً جا به جا شده‌اند و ساکنین اولیه شهرک که پیش از زلزله نیز ساکن در مکان فعلی بوده‌اند، می‌باشد. براساس فرمول کوکرن تعداد ۴۷ نمونه آماری برای

متغیر مستقل	شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها	سنجه‌ها
حس تعلق به مکان	فاکتور خاطرات و تجارت عمیق فاکتورهای اجتماعی	پیوند اجتماعی پیوند طبیعی
فاکتورهای فرهنگی	فاکتورهای شخصی	همایز روابط عاطفی فرد - مکان رضایتمندی
فاکتور فعالیتها و تعاملات	فاکتور زمان	خصوصیات فردی تداوم مکان عزت نفس مالکت خودکارابی
متغیر وابسته	تاب‌آوری اجتماعی	طریقت تطبیق پذیری
سطح اعتماد	روابط خریشاندنی - همسایگی مشارکت اجتماعی	سرمایه اجتماعی
روابط طولانی مدت	خوداتکابی شبکه‌های اجتماعی	قبول تغییرات
شبکه‌های مردمی	همگونی نژادی، قومی و مذهبی تجربه و یادگیری	چشم اندازهای مثبت
اقتصاد متنوع	کارکردن برای یکدیگر	
هنچارها		

ج ۱. چارچوب انجام پژوهش. منبع نگارندگان.

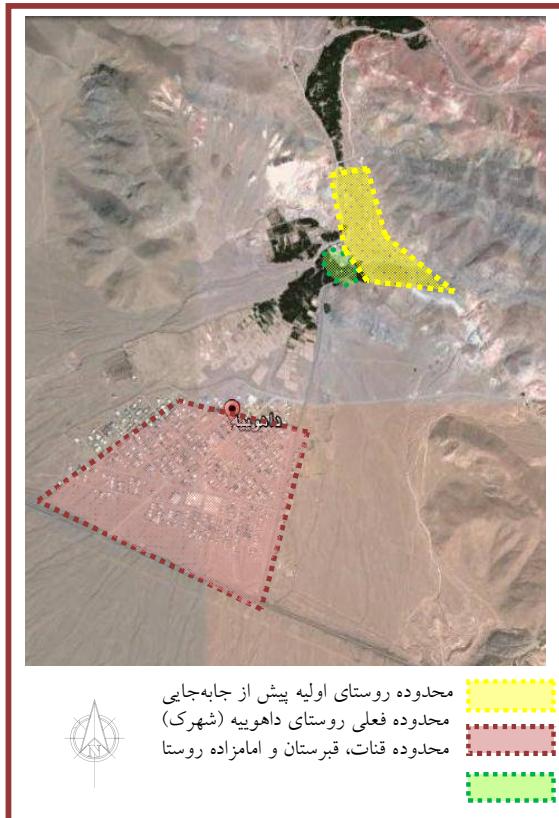
زیرساخت‌های مناسب در مکان فعلی، قابل ملاحظه است. بقایای آوار، مشکلات و مسائل در تعیین مالکیت‌ها پس از زلزله از مطرح‌ترین موانع پیش‌رو در بازگشت این جامعه ذکر شده‌اند. موارد مذکور در کنار برگزاری مراسم و مناسبات جمیع روستا نظری تاسعاً و عاشرای حسینی در مکان قدیم با وجود فضای مناسب و کافی در شهرک، دلالت بر دلبتگی زیاد جامعه جابه‌جاشده به مکان اولیه خود دارد (تصویر شماره ۴).



ت ۴. برگزاری مراسم عزاداری در مکان روستای داهوییه قدیم.

از سوی دیگر در بررسی دلایل عدم تعلق به مکان فعلی روستا براساس مدل پژوهش، ایجاد اختلال در پیوندهای اجتماعی و کاهش کیفیت زیست محیطی و پیوند با طبیعت دارای بیشترین تأثیر بوده‌اند (تصویر شماره ۵ و نمودار شماره ۱).

در سنجدش دلایل ایجاد خدشه در پیوندهای اجتماعی روستا، مقولاتی نظری از بین رفتن مکان اجتماع روستاییان که پیشتر در محوطه امامزاده و پیرامون قنات روستا وجود داشته و عدم شکل‌گیری اینچنین مکانی در روستای جدید، تغییرات زیاد در واحدهای همسایگی، عدم بازگشت رویه‌های زندگی به موقعیت پیش از زلزله

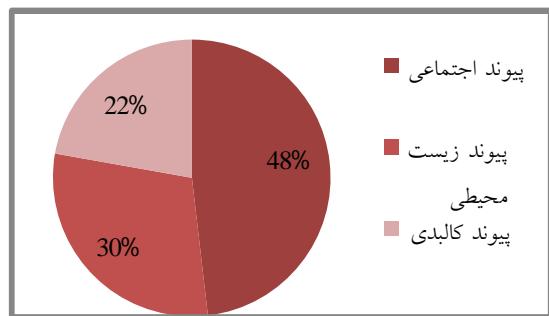


ت ۳. موقعیت روستا. منبع: google earth

یافته‌های تحقیق آزمون فرضیه‌ها

فرضیه یک: به نظر می‌رسد به دلایلی، پس از زلزله و جابه‌جایی اجباری روستاییان بومی داهوییه قدیم به مکان شهرک و تخلیه اجباری روستایشان، جامعه جابه‌جا شده حس تعلق به مکان نداشته‌اند.

در آزمون میزان دلبتگی جامعه مورد پژوهش به مکان اولیه روستا، مشخص شد که افراد با میانگین سکونت ۱۰ سال و بیشتر در روستای قدیم، دارای میانگین سطح دلبتگی زیاد و بسیار زیاد به آن هستند. در بررسی‌ها گزینه تمایل در بازگشت به روستای قدیم در کل جامعه جابه‌جا شده به رغم وجود تسهیلات و



ن.۱. نقش شاخص های اصلی پژوهش در عدم تعلق به مکان فعلی.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد فقدان حس تعلق به مکان در روستای جدید در بین جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله، به دلیل واپسگی قوی به مکان اولیه و ناکامی در ایجاد این پیوند و علقه در روستای جدید، منجر به کاهش سطح تابآوری جامعه مزبور گردیده است.

برای آزمون این فرضیه ضریب رگرسیون برای حس تعلق به مکان و تابآوری، محاسبه و برای تعیین سهم متغیر از روش تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

با توجه به اینکه R₂, درصد واریانس حس تعلق به مکان و تابآوری است، نتایج جدول نشانگر آن است که متغیر حس تعلق به مکان 37/8 درصد از واریانس تابآوری را در گروه روستاییان پیش‌بینی می‌کند. با توجه به F محاسبه شده برای معناداری مدل رگرسیون که در سطح کمتر از 0/01 معنادار است، لذا مدل رگرسیون خطی دارای معنا می‌باشد. نتایج حاصل در جدول شماره 3 ارائه شده‌اند.

و کاهش در عواملی همچون روابط روستاییان، نقش معتمدین و بزرگان روستا در مدیریت مسائل روستا، مشارکت جامعه در مسائل عمومی، اعتماد و میزان اميد به آینده مشخص شده‌اند. در مبحث اختلال در پیوندی‌های زیست محیطی عواملی مانند ناسازواری سایت و بافت روستای جدید با شرایط اقلیمی محل، سبب نارضایتی از جابه‌جایی و مکان فعلی شده است. افزون بر این، فقر پوشش گیاهی در این مکان برخلاف تنیدگی باغات و مناظر سبز با کالبد در روستای قدیم داهوییه و فقدان آب شرب مناسب علی‌رغم وجود قنات قدیم به صورت برجسته مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در نهایت از جنبه خدشه بر هویت کالبدی مؤثر در عدم تعلق خاطر جامعه جابه‌جا شده به روستای فعلی می‌توان به مسائلی مانند نارضایتی از عملکرد، مساحت و مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن جدید به لحاظ شرایط اقلیمی و هزینه‌های ساخت، تعمیر و نگهداری در مقابل خانه‌های بومی روستا، شکل خانه و تناسب مساحت آن با نوع اقتصاد و فعالیت خانوار اشاره کرد.



ت.۵. فقدان پوشش گیاهی و ساخت‌وساز ضعیف در روستای جدید داهوییه.

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	R	R^2	F	سطح معناداری
تأثیر حس تعلق به مکان بر تابآوری	رگرسیون باقیمانده	313/38	1/00	0/615	0/378	**17/63	0/001
	جمع	828/97	29/00				
			30/00				

**=P<0/01 *=-P<0/05

ج 2. نتایج معناداری مدل رگرسیون برای پیش‌بینی نقش حس تعلق به مکان در تابآوری اجتماعی.

منبع: نگارندگان.

متغیر	B	خطای معیار	Beta	t آماره	سطح معناداری
ثابت	22/47	5/19		4/33	0/001
حس تعلق به مکان	0/74	0/18	0/61	4/20	0/001

ج 3. ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی تابآوری. منبع: نگارندگان.

اختلاف در حل مشکلات روستا و کاهش سطح اعتماد بین مردم قابل رویت است. علاوه بر این، با وجود تأکید بسیاری از متون مرتبط، بر نقش آفرینی مالکیت در ایجاد حس تعلق به مکان، در پژوهش حاضر این فاکتور به دلیل وجود عوامل زیاد در تضعیف تعلق مکانی، قادر تأثیر مثبت بر ایجاد حس تعلق به مکان و افزایش تابآوری اجتماعی بوده است.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد جامعه اولیه مکان فعلی در کنار جریان پیوسته زندگی، از آنجا که در گرینش و ایجاد ساختارهای مربوط به خانه، روابط اجتماعی و همسایگی و سایر عوامل مؤثر در ایجاد حس وابستگی به مکان دارای قدرت انتخاب و عمل بوده‌اند سطح بالاتری از تابآوری اجتماعی را نسبت به جامعه دوم که پس از زلزله و به اجبار به این مکان منتقل شده‌اند، دارا هستند.

به منظور بررسی این فرضیه، T مستقل بین میزان تعلق به مکان در جامعه اولیه (جابه‌جا شده پیش از زلزله) و جامعه دوم (جابه‌جا شده پس از زلزله) محاسبه شد. نتایج در جدول شماره 4 ارائه شده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد که کاهش حس تعلق به مکان قادر به پیش‌بینی کاهش تابآوری است و آزمون t برای معناداری ضرایب رگرسیون در سطح کمتر از 0/01 معنادار است. ضرایب β (ضرایب استاندارد شده رگرسیون) حس تعلق به مکان (0/61) است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم کاهش حس تعلق به مکان و کاهش میزان تابآوری است.

مشخص شد خدشه یا اختلال در ساختارهای اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی روستا پس از زلزله و جابه‌جایی و تعارض شرایط موجود با ویژگی‌ها و انتظارات مختلف روستاییان منجر به ناکامی جامعه جابه‌جا شده در ایجاد حس تعلق در مکان جدید و متعاقب آن کاهش سطح تابآوری اجتماعی آن‌ها شده است. این کاهش در مقولاتی همچون کمنگ شدن مشارکت روستاییان در برگزاری مراسم و مناسبات جمعی و تضعیف روابط اجتماعی، بسیانگی در بازگرداندن رویه زندگی به موقعیت پیش از زلزله و بازسازی اقتصاد خانوار، امید به آینده بسیار کم خصوصاً در قشر میانسال، ایجاد تنش و

متغیرها	کل	تعداد	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معنادار
جایه جایی اختیار پیش از زلزله	27	27	30.65	*2.33	29	0/02
جایه جایی پس از زلزله	20	20	27.21			
	47	47				

**=P<0/01 *= $P<0/05$

ج ۴. T مستقل تعلق به مکان فعلی در دو جامعه مورد پژوهش. منبع: نگارندگان.

میانگین $M=30/65$ بیشتر از جامعه دوم با میانگین $M=27/21$ است. همچنین به منظور بررسی سطح تاب آوری اجتماعی جوامع مذکور، T مستقل میزان تاب آوری آنها محاسبه شد. نتایج در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

نتایج جدول نشان می دهد که بین میزان تاب آوری جامعه اولیه شهرک و جامعه جایه جا شده ($t=2/49$) در سطح 0/05 تفاوت وجود دارد. به این معنا که بین میزان تاب آوری دو جامعه تفاوت معناداری وجود دارد و تاب آوری جامعه ساکن پیش از زلزله با میانگین $M=46/00$ بیش از جامعه جایه جا شده پس از زلزله با میانگین $M=41/64$ است.

این تفاوت، در میزان مشارکت ساکنین اولیه شهرک در بازسازی روستا نسبت به جامعه ای که به اجبار جایه جا شده و اختلافات و تنش های ایجاد شده در این فرایند به وضوح مشخص است. براساس تحلیل ها، پذیرش تغییرات ایجاد شده پس از زلزله، حس اتحاد اجتماعی قوی و بسط یافتن هنجارهای گروهی به عکس جامعه جایه جا شده و مشارکت در فعالیت هایی مانند سرمایه گذاری در فرایند بازسازی، نگهداری و توسعه مسکن، کمک در بازسازی مسکن اقوام و نزدیکان، سطح بالای اعتماد بین اهالی اولیه روستایی فعلی و رضایت از روابط موجود پس از زلزله همگی نشان از تاب آوری بالای این جامعه دارند.

در خلال عوامل مختلف و مؤثر در تأیید این فرضیه، تأثیر سن در تعلق به مکان فعلی بارز می باشد. به نظر می رسد قشر جوان تر روستا دارای پیوندی قوی به مکان فعلی می باشند. تمایل و انگیزش این جامعه در ترک مکان قدیم و قدرت انتخاب و عمل در ایجاد ساختارهای اجتماعی و کالبدی لازم برای زندگی در سایت جدید در ایجاد حس تعلق به مکان دخیل بوده اند. رضایت از مکان روستا و مسکن موجود، واپستگی کم به عناصر و المان های دارای ارزش برای افراد جایه جا شده در مکان قدیم روستا، تناسب مسائل اجتماعی، کالبدی و خانه از دیدگاه آنها به دلیل اختیار اولیه در انتخاب و تعیین محل، ابعاد و ساخت مسکن، فضاهای جنبی، واحدهای همسایگی و روابط اجتماعی، سبب تمایل کم به مهاجرت و بالا بودن ابعاد مختلف حس امنیت در بین این جامعه شده است. موارد مذکور دال بر بالا بودن حس تعلق به مکان آنها، در مقابل جامعه جایه جا شده پس از زلزله است.

نتایج نشان می دهد که بین میزان تعلق به مکان در جامعه اولیه روستای فعلی (جایه جا شده پیش از زلزله) و جامعه دوم (جایه جا شده پس از زلزله) ($t=2/33$) در سطح 0/05 تفاوت وجود دارد. یعنی بین میزان تعلق به مکان ساکنین اولیه شهرک و جامعه جایه جا شده پس از زلزله تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج نشان می دهد میزان تعلق به مکان جامعه ساکن در شهرک با

نتیجه

براساس آزمون فرضیه‌های تحقیق و سنجش تأثیر متقابل دو مفهوم تعلق به مکان و تابآوری اجتماعی، مشخص شد که در جامعه جا به جا شده روستای داهوییه پس از زلزله سال 1383، نوعی تمایل به بازگشت به روستای قدیم در کل جامعه و کاهش امید به زندگی در افراد میانسال دیده می‌شود که نمایانگر عدم تعلق به مکان فعلی است. تأکید تمامی افراد جامعه مزبور بر ویژگی‌های بارز روستای قدیم همچون ساخت بناها از سنگ و مطابقت اقلیمی آن، امامزاده و قبرستان روستا به عنوان مکان جمعی در مناسبات مختلف روستا و ایام عادی سال، چشم و قنات روستا و دسترسی مناسب به آب شرب، اتحاد، همبستگی و روابط نزدیکتر افراد و خویشاوندان روستا، در مقابل فقدان این موارد در روستای فعلی نشان از این مهم و ناکامی در ایجاد حس تعلق به مکان جدید دارد. افراد در مقابل این چالش، واکنش‌هایی نظیر عدم رضایت از موقعیت فعلی روستا، ظاهر و ویژگی خانه‌های ساخته شده، همسایگی، اعتماد، کمک و مشارکت اجتماعی در حل مشکلات و ساخت وسازهای جدید در بین روستاییان، داشته‌اند. این در حالی است که موارد یاد شده در جامعه اولیه شهرک که در گزینش مکان خانه، روابط اجتماعی و ایجاد ساختارهای زندگی آزادی عمل داشته‌اند، دیده نشد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد تمایل به جا به جایی از

ج ۵. T مستقل میزان تابآوری در دو جامعه مورد پژوهش. منبع: نگارندهان.

متغیرها	تعداد	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معنادار
جامعه اولیه ساکن در شهرک	27	46/00	2.49	29	0/02
جامعه جا به جا شده پس از زلزله	20	41.64			
کل	47				

**=P< 0/01 * =P<0/05

روی میل و رغبت (که در ساکنین داهوییه جدید قبل از زلزله وجود داشته) و جایگایی با اجبار (ساکنین داهوییه قدیم پس از زلزله)، در ایجاد تعلق مکانی مؤثر بوده است. علاوه بر این فاکتور مدت زمان اقامت نیز در ایجاد حس تعلق به مکان فعلی مؤثر بوده است، بدین نحو که افراد با مدت زمان بیش از 15 سال زندگی در سکونتگاه فعلی، تعلق بیشتری به آن دارند. به‌دلیل آن براساس تحلیل‌ها، مشخص شد در جامعه اولیه شهرک حس تعلق به مکان فعلی، سبب افزایش ابعاد مختلف تابآوری اجتماعی مانند سطح بالای اعتماد، امید به زندگی در میانسالان، حس امنیت در محیط روستا، خوداتکایی در ساخت خانه و کمک‌رسانی در ساخت و حفظ فضاهای جدید در روستا، یاری رساندن به یکدیگر در حل مشکلات و برگزاری مراسم و مناسبات روستا به صورت منسجم‌تر و عدم تمایل به مهاجرت شده است.

نظر به اینکه ایجاد حس تعلق به مکان و به‌دلیل آن افزایش تابآوری در جامعه جا به جا شده، با رویکرد احیای هویت بومی کالبد روستا پس از جایگایی و بازسازی، امری مشکل یا حتی غیرممکن است، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، هدف مذکور به مدد تقویت و ایجاد زندگی و خاطرات جمعی و روابط اجتماعی، با یاری جامعه با تابآوری بیشتر و تقویت محیط زیست طبیعی روستای فعلی

- مرتضوی، حسین.(۱۳۸۵)، کوچی برای همیشه (بررسی و جابه‌جایی روستا)، نشریه صفحه، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

- لک، آزاده؛ غلامپور، اشکان.(۱۳۹۴)، درک معنای حس مکان در بازسازی مسکونی بهم، مورد مطالعاتی: مجموعه مسکونی نرگس. نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹، بهار ۱۳۹۴.

- لک، آزاده.(۱۳۹۴)، تجربه بازآفرینی حس دلبتگی به مکان در محلات آسیب‌دیده از زلزله با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای، بررسی موردنی: امامزاده زید و قصر حمید در بهم، دو فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

- Adams, Helen. Alaniz, Ryan. Bronen, Robin McNamara, Karen.(2015), Maintaining and Building ‘Place’ Through Manage and Forced Community Relocations: Lessons for Climate Changed World, Unu-Ehs Working Paper Series, United Nations University Institute of Environment and Human Security.

- Colburn, Lisa, Seara, Tarsila, (2011), Resilience, Vulnerability, Adaptive Capacity, and Social Capital, 2nd National Social Indicators Workshop, Noaa Fisheries Service.

- Curtin, Lisa. Cohn, Tracy.(2015), Overview of Rural Communities: Context, Challenges and Resilience. Resilience in Rural Communities is Enhanced Through Supportive Social Networks.Psychology and AIDS Exchange Newsletter.

- Davis. Ian, O.Izadkhah. Yasamin, (2006),Building Resilient Urban Communities, Y.O. Special Issue on South Asian Tsunami, Open House International Journal, Vol.31, 11-21

- DFID (Department for International Development),(2008), Transitional Settlement and Reconstruction after Natural Disasters, United Nations, Office for the Coordination of Humanitarian Affairs(OCHA).

- Dikmen, Nese. (2006), Relocation or Rebuilding in the Same Area: An Important Factor for Decision Making for Postdisaster Housing Projects, IF Research Group, University of Montreal.

- Hashemnezhad, Hashem, Heidari, Ali Akbar, Mohammad Hoseini, Parisa,(2013), “Sense of Place” and “Place Attachment”

در واقعیت قابل دستیابی خواهد بود. در این راستا برگزاری مراسم و مناسبات مشترک بهمنظور ایجاد حس وحدت بین دو جامعه در مکانی از روستا با قابلیت نشانه شدن، ایجاد فضای جمعی با مشاهده نقطه تجمع غالب افراد روستا و افزایش کیفیت شرایط آب شرب، محیط زیست و کیمیت فضاهای سبز طبیعی در منظر روستا مؤثر واقع خواهند شد.

پی‌نوشت

1. Heijman
2. Relph

فهرست منابع

- پرتوی، پروین. (۱۳۹۴)، پدیدار شناسی مکان، انتشارات فرهنگستان هنر.
- سرتیپی‌پور، محسن؛ هاشمیان، عاطفه سادات؛ حسینی، مرضیه.(۱۳۹۴)، تبیین الزامات بازسازی پس از سانحه بر سیاست جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی، نمونه موردنی: روستای اسطلخ کوه، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۸-۳، ۱۵۱.
- سیاوشپور، بهرام؛ شادلو جهرمی، مجتبی؛ مولایی رامش، زهره.(۱۳۹۳)، ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادرار و شناخت)، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تکیه بر مؤلفه‌های شهر اسلامی/مشهد مقدس.
- شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا.(۱۳۹۴)، محاط در محیط، کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فلاحتی، علیرضا؛ اسلامی، فرشته. (۱۳۹۴)، بازسازی محله بازار پس از زلزله ۱۳۸۲ بهم با رویکرد خاطره جمعی، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.

(A Comparative Study), International Journal of Architecture and Urban Development Vol. 3, No. 1, Winter 2013.

- Institute of British Columbia, Office of Applied Research, (2012), Rural Disaster Resilience Planning Guide Assessing Risks and Building Resilience For Disasters in Rural, Remote and Coastal Communities.
- J. Boon, Helen. Cottrell, Alison. King, David. (2016), Disasters and Social Resilience: A Bioecological Approach, By Routledge.
- Kapucu.Naim, V. Hawkins. Christopher, I. Rivera. Fernando, (2013), Disaster Preparedness and Resilience for Rural Communities, Risk, Hazards & Crisis in Public Policy, Vol. 4, No. 4.
- L. Debertin. David, J. Goetz. Stephan, (2013), Social Capital Formation in Rural, Urban And Suburban Communities,Journal of Economic Literature R58 Regional Development Policy,University of Kentucky Staff Paper 474.
- O. Prewitt Diaz, Joseph, (2013), Recovery: Re-Establishing Place and Community Resilience, Global Journal of Community Psychology Practice,4(3), 1-10.
- Schouten, Marleen, Van Der Heide. Martijn, Heijman. Wim, (2009), Resilience of Social-Ecological Systems in European Rural Areas: Theory and Prospects,113th Eaae Seminar "The Role of Knowledge, Innovation And Human Capital In Multifunctional Agriculture and Territorial Rural Development", Belgrade, Republic of Serbia,December 9-11, 2009.

<https://doi.org/10.22034/37.161.3>